

## دسته بندی مسائل اخلاقی

### مقدمه

بازشناسی و دسته بندی مسائل و موضوعات یک رشته علمی از دیر باز مورد توجه بنیان گذاران، توسعه دهندگان و آموزگاران آن بوده است. دانشمندان علم اخلاق نیز تا کنون دسته بندی هایی برای مسائل این شاخه علمی به دست داده اند که از میان آنها دیدگاه ارسطو شهرت بیشتری دارد .

اصطلاح «اخلاق اجتماعی» شاید تداعی کننده این پرسش باشد که به طور کلی اخلاق را بر چه اساسی می توان به اجتماعی و غیر آن تقسیم کرد. در این محتوای آموزشی با مروری بر دسته بندی مسائل اخلاق بر تنوع قوای نفسانی، مبادی نفسانی افعال و متعلقات افعال اخلاقی، این پرسش را پاسخ خواهیم داد .

دانشجو پس از مطالعه این محتوای آموزشی، با نوع نگرش پیشگامان علم اخلاق نسبت به ساختار و حوزه های این علم آشنا شده، تعریف، موضوع و مباحث اخلاق اجتماعی را از مسائل دیگر حوزه های اخلاق باز خواهد شناخت.

۱ به نظر شما تقسیم علم اخلاق به اجتماعی و فردی با کدام یک از ملاک های زیر سازگار است؟

الف . تنوع قوای نفسانی؛

ب . متعلقات افعال اخلاقی؛

ج . تنوع قوای نفس؛

د . هیچ کدام.

۲ مراد از «اخلاق» در اغلب محاوره های عرفی ..... است .

الف . اخلاق الهی؛

ب . اخلاق فردی؛

ج . اخلاق اجتماعی؛

د . اخلاق نیکو.

### دسته بندی مسائل اخلاقی

برای بررسی تعالیم دینی که از دو منبع مقدس وحی و عصمت به ما رسیده است ناگزیر از گزینش روش خاصی هستیم تا ابتدا و انتهای بحث روشن باشد. مسائل اخلاقی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

- انواع تقسیم بندی مسائل اخلاقی
۱. تقسیم بندی بر اساس تنوع قوانی نفسانی (نظریه اعتدال ارسطو)
  ۲. تقسیم بندی بر اساس مبادی نفسانی افعال.
  ۳. تقسیم بندی بر اساس متعلقات افعال اخلاقی.

### تقسیم بندی بر اساس تنوع قوای نفس

این تقسیم بندی که بزرگان فلسفه اخلاق بر آن نظر دارند، حاصل اندیشه فیلسوف بزرگ یونانی، ارسطو است که وی آن را در کتاب پرآوازه خود، اخلاق نیکو ماخوس، طرح کرده و فلاسفه اسلامی آن را به کمال رسانده اند. اساس این تقسیم بندی بر وجود سه قوه غضبیه، شهویه، ناطقه (یا واهمه) در انسان استوار است که هر کدام رذائل و فضائل مخصوص به خود دارند. فضائل در حقیقت، نقاط وسط برای رذائلی هستند که نمایانگر افراط یا تفریط در یک صفت می باشند؛ مثلاً شجاعت یک فضیلت از قوه غضبیه است که بین دو رذیلت تهور و جبن قرار دارد.

### تقسیم بندی بر اساس مبادی نفسانی افعال

این تقسیم بندی که به بعضی از پیروان ارسطو نسبت داده شده است بر این مبنا است که افعال آدمی گاهی منشأ و خاستگاه غریزی دارند؛ یعنی فعل و انفعالات جسمی به طور مستقیم منشأ انگیزش آنها

می شود؛ مانند خوردن و نوشیدن و روابط زناشویی، و گاهی منشأ افعال، تأثرات روحی انسان نظیر حالات ترس و وحشت و اضطراب هستند. برخی دیگر کارهایی هستند که از تمایلات عالی انسانی و به اصطلاح تمایلات فطری، نظیر حقیقت جویی، کمال طلبی، میل به فضائل اخلاقی و پرستش منشأ می یابند. در مواردی نیز رفتارهای انسانی منشأ احساسی و عاطفی دارند که این خود، به دو نوع تقسیم می شود: یکی رفتارهایی که عواطف مثبت انسان، مثل انس و محبت را بر می انگیزد و دوّم رفتارهایی که عواطف منفی انسان، نظیر حسد و کینه و نفرت را باعث می شود. [۱]

### تقسیم بندی بر اساس متعلقات افعال اخلاقی

طبق این سازماندهی، متعلق فعل اختیاری یا خود فاعل است یا دیگران و یا اینکه به خدای متعال مربوط می شود. می توان به تناسب هر یک از این اقسام، نام مناسبی نیز بر آن اطلاق کرد؛ بخش اول را «اخلاق فردی» و بخش دوم را «اخلاق اجتماعی» و بخش سوّم را «اخلاق الهی» نام می گذاریم. اخلاق فردی یعنی کارهایی که به خود شخص مربوط می شود و در انجام آنها اصالتاً رابطه با خدا منظور نیست؛ گو اینکه ممکن است با خدا و یا مردم هم ارتباط پیدا کند، ولی در آن اصالتاً فقط رابطه انسان با خودش ملحوظ است؛ مثل شکم بارگی و شهوترانی.

محور اصلی اخلاق اجتماعی ارتباط انسان با دیگران است و بر اساس معاشرت با افراد و زندگی اجتماعی پدید می آید؛ مثل احسان به دیگران، احترام یا توهین به دیگران. [۲]

دسته ای دیگر از افعال انسان نیز در ارتباط با خدا است؛ مثل توجه به خدا، امید به خدا، ایمان به خدا، خوف و خشوع در برابر خدا که منشأ عبادت و بندگی او می شود.

اخلاق فردی و الهی در حقیقت توسعه اخلاق عرفی است که با توجه به بینش اسلامی و اینکه موضوع اخلاق، مطلق فعل اختیاری انسان، اعم از اجتماعی و غیراجتماعی است حاصل شده است؛ چراکه هر فعل اختیاری، چه اجتماعی و چه غیراجتماعی را می توان دارای ارزش مثبت یا منفی دانست و در محدوده مسائل اخلاقی قرار داد.

واژه اخلاق در بیشتر موارد به «اخلاق اجتماعی» اطلاق می شود. وقتی در محاورات عرفی گفته می شود کسی اخلاقش خوب است یا خوب نیست، منظور همین ملکاتی است که در روابط او با دیگران نمایان می شود. آنچه در این نوشتار می آید بررسی «اخلاق اجتماعی» از منظر تعالیم اسلامی است که با توجه به گزینش دسته بندی سوّم از دسته بندی های سه گانه مسائل اخلاقی صورت گرفته است. هر چند این مشی برخلاف مشهور فلاسفه اخلاق است، ولی بررسی «اخلاق اجتماعی» طبق این تقسیم بندی بُعد مشخص و ویژه ای را پیدا می کند.

گرچه «اخلاق اجتماعی» در تقسیم سوّم ارتباطی هماهنگ با اخلاق فردی و الهی داشته و جوشیده از آن دو است، اما از حیث دو تقسیم دیگر هم قابل تفسیر است؛ چرا که مجموعه فضائل متعادل و به دور از تفریط و افراط فرد در اجتماع، اخلاق اجتماعی سالم و سازنده او را تشکیل می دهد و از این حیث با تقسیم بندی اوّل مرتبط است و از حیث اینکه «اخلاق اجتماعی»، اخلاقی برخاسته از تمایلات عالی، غریزی، عاطفی، انفعالی فرد در بُعد مثبت و سالم آن است با تقسیم بندی دوّم مربوط می گردد. حاصل اینکه در هر تقسیم بندی، «اخلاق اجتماعی» جلوه ای خاص دارد و بیانگر تأثیرات عمیق معارف اجتماعی اسلام در انسان است.

## اخلاق اجتماعی

بنابر آنچه گذشت، اخلاق اجتماعی عبارت است از: مسائل اخلاقی که محور آنها روابط اجتماعی انسان با دیگران [۳] و موضوع آن ارزش های حاکم بر رابطه انسان با دیگران می باشد.

عوامل همبستگی اجتماعی: عوامل عاطفی و عوامل عقلانی [۴]

۱. **عامل طبیعی**، که مهمترین آن گزینه جنسی است که موجب ازدواج و تشکیل خانواده است. فرد از

این طریق به اجتماع مرتبط می شود و اجتماع در حقیقت مجموعه ای از خانواده هاست.

۲. **عامل عاطفی**، تمایل انسان و کشش درونی او به انس و نزدیکی با دیگران است؛ به گونه ای که

بعضی، واژه «انسان» را از انس می دانند. چه بسا این عامل هم عاملی طبیعی محسوب شود؛ لذا برخی

انسان را «مدنی بالطبع» می شمارند. به هر حال این عامل، همان طور که از نامش پیداست، عامل

«عطف» و «پیوند» افراد اجتماع به یکدیگر و از قوی ترین عوامل انگیزش انسان در گرایش به زندگی

اجتماعی است. حتی برخی نخبگان مکتب عاطفه گرایی مانند **آدام اسمیت** اقتصاددان و فیلسوف اخلاق

انگلیسی، **آرتور شو پنهاور** فیلسوف آلمانی، و **اگوست کنت** فیلسوف فرانسوی، [۵] تنها افعالی را که

مبتنی بر این عامل باشند و جنبه اجتماعی داشته و آثار و نتایجشان به دیگران نیز سرایت کند مشمول

حسن و قبح اخلاقی می دانند؛ [۶] در حالی که از دیدگاه اسلام گاهی خشونت ارزش اخلاقی دارد. [۷]

۳- **عامل عقلانی**، که بر اساس آن انسان درمی یابد که به تنهایی قادر به تأمین نیازمندیهای مادی و

معنوی زندگی خویش نیست؛ بنابراین عقل او حکم می کند که برای تأمین این منافع و مصالح روابط

مشترکی با انسانهای دیگر برقرار شود.

- 
- [1] اخلاق در قرآن ج ۱ ص ۲۴۲ .
- [2] همان ص ۲۴۱ و ر. ک: امام خمینی و اندیشه های اخلاقی - عرفانی (مقالات اخلاقی ص ۴۲۱ مقاله ای از نگارنده در دسته بندی مسائل اخلاقی)
- [3] اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۲۳ .
- [4] همان، ص ۲۷ و ص ۹۳ .
- [5] ر. ک فلسفه اخلاق، مجتبی مصباح ص ۷۸ .
- [6] فلسفه اخلاق، مرتضی مطهری، ص ۴۸ (انتشارات صدرا) .
- [7] همان، ص ۵۰ .

## چکیده

۱. در معارف اسلامی از جمله علم اخلاق، اندیشمندان مسلمان دسته بندی های گوناگونی صورت داده‌اند.
۲. مسائل علم اخلاق را می توان بر پایه تنوع قوای نفسانی، مبادی نفسانی افعال و متعلق افعال اخلاقی دسته بندی کرد.
۳. ارسطو نفس انسان را دارای سه قوه غضبیه، شهویه و ناطقه (واهمه) می داند که هر یک رذائل و فضائل خاص خود را دارا هستند.
۴. پیروان ارسطو مبادی نفسانی اعمال از جمله غریزه، تأثرات روحی انسان، تمایلات عالی و احساس، و عاطفه را اساس دسته بندی مباحث اخلاق قلمداد می کنند.
۵. مطابق با سازماندهی مسائل اخلاق بر اساس متعلق افعال اخلاقی، علم اخلاق به فردی، اجتماعی و الهی تقسیم می شود.
۶. در اخلاق فردی، افعال اختیاری مربوط به خود شخص مطرح است و ارتباط با خدا و دیگران مورد نظر نیست.
۷. محور اصلی اخلاق اجتماعی، ارتباط و معاشرت با انسانهای دیگر و موضوع آن، ارزشهای حاکم بر رابطه انسان با آنان است.